

«شرق» پیشنهاد وزیر امور خارجه پیشین کشور درباره مذاکره مستقیم با آمریکا را بررسی می کند

# بیات شده اما همیشه جنجالی!



**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، در گفت‌وگویی پیشنهاد مذاکره مستقیم و جامع با ایالات متحده را مطرح کرد. صالحی در کپ‌وگفتش با «انتخاب» با بازخوانی تاریخی از مذاکرات مستقیم سال‌های اخیر با آمریکایی‌ها اذعان کرد که «ما در جالش با آمریکا همواره درباره موضوعات خاص گفت‌وگو کرده‌ایم، مثلاً درمورد افغانستان یا عراق یا بحث آزادی زندانیان یا برجام و به‌طورکلی موضوع هسته‌ای» اما به گفته او، «هیچ‌وقت یک مذاکره گسترده و وسیع سیاسی که دربرگیرنده ابعاد دیگر باشد، نداشته‌ایم». بنابراین از دیدگاه‌علی‌اکبر صالحی، «با توجه به مجموعه شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، اکنون فرصت خوب و مناسبی است که یک گفت‌وگوی همه‌جانبه سیاسی با غرب اعم از اروپا و آمریکا داشته باشیم». صالحی در این گفت‌وگو به آسیب‌شناسی روابط تهران – واشنگتن پرداخت و متذکر شد که در «۴۴ سال گذشته روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا منأثر از سوابق تاریخی سلبی بین دو کشور بوده است. ما در این ۴۴ سال روابط خوبی با هم نداشته‌ایم و از ابتدای انقلاب روابط ما سلبی بوده است». رئیس سابق سازمان انرژی اتمی این را هم گفت که «وقتی یک گفت‌وگوی جامع در کار باشد، غرب و در رأس آنها آمریکا هم بی‌علاقه نخواهند بود». با این خوانش صالحی «سازوکار گفت‌وگوی جامع با آمریکا می‌تواند در معرض بحث و تبادل نظر نخبگان سیاسی کشور قرار بگیرد تا پیشنهادی جامع که دربرگیرنده عزت و منافع ملی باشد ارائه کنند». وزیراسبق امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که «اکنون فرصت خوبی برای مذاکره سیاسی با آمریکا داریم» چراکه رئیس سابق سازمان انرژی اتمی یادآور می‌شود «در حال حاضر ایران یک قدرت منطقه‌ای است و این حقیقت را دوست و دشمن اذعان دارد». پس به گفته او، «چون الان ما قدرت منطقه‌ای هستیم، فرصت خوبی است که بنشینیم با غرب و در رأس آنها آمریکا یک گفت‌وگو و یک مذاکره وسیع‌تر را انجام دهیم. شاید اسمش را بگذاریم مذاکره سیاسی». صالحی گفت‌وگویش را با ذکر این جمله پایان داد که «ما در دوران و عصر روایتگری (narration) و تصویرسازی (image building) قرار گرفته‌ایم؛ ازاین‌رو هر کشوری که بتواند با زبان قابل فهم و قابل هضم و لین برای نسل پرسشگر امروز روایت خودش را از آینده مطلوب جهان و چگونگی شکل‌گیری آن و تصویری منطقی و قابل پذیرش از مسئولیت‌پذیری خودش در ارتباط با ملتش و جامعه جهانی ارائه کند، یقیناً گوی سبقت را برده است و بالطبع جایگاهی درخور و نقش آفرین در عرصه جهانی خواهد یافت».

بین‌الملل را با سطح رفتارهای اعتقادی اشتباه گرفته‌اند».

چون به گفته حقیقت‌پور، «سطح بین‌الملل، سطح تامین منافع ملی است. لذا ما پشت میز مذاکره آمریکایی‌ها را مسلمان نمی‌کنیم. آنها نیز ما را مسیحی نمی‌کنند. عده‌ای این‌طور جان‌انداخته‌اند که هرکسی با آمریکا مذاکره کند بی‌غیرت است، اما این‌طور نیست». مشاور علی‌لاریجانی با ذکر این سؤال که «چرا از مذاکره با آمریکا بترسیم و حق دلالی به کشورها بدهیم؟» به این موضوع اشاره داشت که «ما با مقامات وزرای خارجی قبلی از جمله آقای خرازی و عراقچی و ظریف برخورد می‌کنیم. در حالی که آمریکایی‌ها جلوی آنها کم می‌آورند». در نتیجه حقیقت‌پور تأکید دارد که «با حفظ آرمان‌های انقلاب ایران هیچ اشکالی ندارد که محکم و مقتدر مذاکره کنیم حتی نرمش قهرمانانه انجام دهیم».

**مذاکره مستقیم با آمریکا تا واقعتی**

«شرق» هم در گفت‌وگو با تنی چند از کارشناسان، تحلیلگران و ناظران به ارزیابی آنها از پیشنهاد علی‌اکبر صالحی پرداخته است. در این باره رامین اسماعیلی اعتقاد دارد که «موضوع مذاکره مستقیم و جامع با آمریکا هرازگاهی توسط مقامات سابق و اسبق دولت‌های گذشته به تناوب در رسانه‌ها مطرح می‌شود» که به گفته این کارشناس، «یک واکنش مقطعی را به دنبال دارد». اما اسماعیلی در تحلیل نهایی خود به «شرق» روی این نکته تمرکز دارد که «اساسا ایران تصمیم‌گیران در حوزه سیاست خارجی علاقه‌ای به این دست پیشنهادات ندارند». حتی اگر به باور مفسر حوزه بین‌الملل، «این پیشنهادات توسط فردی مانند علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه دولت احمدی‌نژاد مطرح شده باشد که خودش مذاکرات پشت پرده با عمانی‌ها را در سال‌های پایانی دولت دهم پیش برد که بستری برای شکل‌گیری برجام بود». در نهایت، اسماعیلی، «مذاکره مستقیم و جامع با آمریکا را پیشنهادی بیات‌شده، اما همیشه جنجالی در ایران تعبیر می‌کند».

عباس یوسفی هم به عنوان دیگر کارشناس در کپ و گفتش با «شرق» روی فضای سیاسی داخلی مانور می‌دهد و تأکید دارد که «با توجه به یکدست‌سازی قدرت پس از انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم و روی‌کارآمدن بخشی از یک جریان رادیکال که سایه سنگینی بر مجلس و دولت دارد، عملاً فضایی برای مذاکره وجود ندارد». خاصه آنکه تحلیلگر حوزه سیاست خارجی این را هم متذکر می‌شود که «در سال جاری که سال انتخابات است قطعا رادیکال‌های داخلی به دنبال قیضه‌کردن فضای کشور به نفع خود هستند». لذا یوسفی اذعان دارد که «در چنین شرایطی با هرگونه پیشنهادی که بوی انعطاف یا مذاکره بدهد تقابل خواهد شد و تدروها از تمام پتانسیل رسانه‌ای و سیاسی خود برای آمریکاستیزی نهایت استفاده را خواهند برد». به همین دلیل کارشناس حوزه بین‌الملل هم پیشنهاد علی‌اکبر صالحی را با وجود آنکه وزیر امور خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی بوده است چیزی در حد یک موضع‌گیری رسانه‌ای در شرایط کنونی کشور تلقی می‌کند.

با وجود این، عباس لقمانی از منظری کاملا برعکس، بر این باور است که اتفاقا تهران بنا به دلایلی از ماه‌ها پیش پیشنهاد صالحی برای مذاکره مستقیم با طرف آمریکایی را اجرایی کرده است که از منظر لقمانی دو مصداق بارز آن طی این ماه‌ها به دیدار رابرت مالی و امیرسعید ابروانی در نیویورک و مذاکرات غیرمستقیم برت مک گورک و مقامات ایرانی در مسقط باز می‌گردد. این مفسر حوزه سیاست خارجی در تشریح و تبیین هرچه بیشتر گزاره تحلیلی خود به «شرق» می‌گوید که «با در نظر گرفتن وضعیت کنونی در کشور که زمزمه مذاکرات پشت پرده ایران و آمریکا بر سر زندانیان دوتابعیتی یا پرونده هسته‌ای شکل گرفته است، اکنون اقتضانات سخت کشور و شرایط نامساعد اقتصادی در دولت سید ابراهیم رئیسی و جریان رادیکال این اجبار را تحمیل کرده است که مذاکرات ناخواسته‌ای



را برای کنترل و مدیریت شرایط و جلوگیری از رسیدن شرایط کشور به نقطه غیر قابل بازگشت در پیش بگیرند». این تحلیلگر در ادامه کسب وگفتش یادآور می‌شود که «علی‌اکبر صالحی در مصاحبه خود به موضوع فشار تحریم‌ها و همچنین گرفتن بهانه در سال انتخابات برای جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها اشاره کرده است». با این برآورد، لقمانی محتمل می‌داند که «پایداری‌ها، دولت رئیسی، مجلس یازدهم و در کل جریان اصولگرا در این شرایط مجبور به گفت‌وگویی به زعم او ناخواسته با آمریکایی‌ها شده باشند». اما بهزاد نیک‌منش به عنوان دیگر کارشناس در کپ و گفتش با «شرق»، موضوع را کاملا متضاد از عباس لقمانی تعبیر و تفسیر می‌کند، چراکه به زعم او دیدار امیرسعید ابروانسی و رابرت مالی در نیویورک یا گفت‌وگوهای پشت‌پرده برت مک گورک با مقامات ایرانی در مسقط و دیگر مذاکرات انجام‌شده طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر را به معنای مذاکرات مستقیم و جامع با ایالات متحده آمریکا نمی‌داند. این مفسر حوزه سیاست خارجی، «مجموعه این دیدارها و مذاکرات را صرفا رفتار تاکتیکی دولت رئیسی برای خروج از شرایط کنونی و مدیریت شرایط تلقی می‌کند با این هدف که بتواند از ابزار مذاکره برای کنترل شرایط نامناسب اقتصادی و معیشتی ذیل خبردرماتی استفاده کند». در حالی که به اذعان این کارشناس روابط بین‌الملل، تهران در دوران پس از یکدست‌سازی قدرت اساسا کوچک‌ترین ارزشی برای مذاکره با آمریکا قائل نیست. البته عباس لقمانی هم درخصوص این گفته‌های نیک‌منش به ذکر این نکته مهم می‌پردازد که، «شاید در وضعیت کنونی، اصولگرایان مذاکره جامع و مستقیم را با طرف آمریکایی در دستور کار قرار ندهند» اما به گفته لقمانی، «همین مذاکرات غیردلخواه طی ماه‌ها و هفته‌های اخیر می‌تواند بستتر را به سمتی پیش ببرد که گفت‌وگوهای جامع‌تر و مستقیم بین تهران و واشنگتن پررنگ‌تر شود». در مقابل، نیک منش تصریح می‌کند که به اعتقادش،

# ریموند ویل

**RAYMOND WEIL**  
GENEVE



**SARMAN Co.**

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran